

## فہرست مطالب



پیشگفتار نگارنده ..... ۱۵

### بخش اول: کلیات ..... ۲۵

#### فصل اول: تاریخچہ اصول فقہ ..... ۲۷

دوره اول، دوره تاسیس: ..... ۲۷

دوره دوم، دوره تصنیف: ..... ۲۸

دوره سوم، دوره اختلاط: ..... ۲۸

دوره چہارم، دوره کمال و استقلال: ..... ۲۸

دوره پنجم، دوره رکود استنباط: ..... ۲۹

دوره ششم، دوره نہضت مجددہ: ..... ۲۹

دوره جدید علم اصول فقہ: ..... ۳۰

#### فصل دوم: تعریف علم اصول فقہ ..... ۳۱

#### فصل سوم: موضوع، مسائل و فائدہ علم اصول فقہ ..... ۳۳

موضوع علم اصول فقہ: ..... ۳۳

مسائل علم اصول فقہ: ..... ۳۴

فائدہ علم اصول: ..... ۳۶

#### فصل چہارم: اقسام حکم شرعی ..... ۳۹

اقسام حکم شرعی: ..... ۳۹

تعریف حکم شرعی: ..... ۳۹

موضوع و متعلق حکم شرعی: ..... ۴۰

حکم واقعی و حکم ظاہری: ..... ۴۰

حکم تکلیفی و حکم وضعی: ..... ۴۳

اقسام حکم تکلیفی: ..... ۴۴

۴۶.....	اقسام حکم وضعی: .....
۴۷.....	تفاوت حکم تکلیفی و حکم وضعی با حکم حکومتی: .....
۴۷.....	نحوه وصول به حکم شرعی: .....
<b>۴۹.....</b>	<b>فصل پنجم: دلالت و وضع الفاظ.....</b>
۴۹.....	معنی دلالت: .....
۴۹.....	اقسام دلالت: .....
۵۰.....	وضع تعیننی و تعیننی {تخصیصی و تخصیصی}: .....
۵۱.....	تقسیم الفاظ به لحاظ معانی: .....
۵۳.....	نکته‌های در وضع حروف: .....
۵۳.....	دلالت الفاظ بر موضوعات: .....
۵۴.....	حقیقت و مجاز.....
۵۵.....	وضع مرکبات: .....
۵۶.....	نشانه‌ی حقیقت و مجاز در کشف مراد متکلم یا قانونگذار.....
۵۸.....	علائم حقیقت.....
۶۰.....	تقسیمات وضع الفاظ (الفاظ لغوی، عرفی، قانونی و شرعی): .....
<b>۶۳.....</b>	<b>فصل ششم: اصول لفظیه.....</b>
۶۳.....	تعریف اصول لفظیه: .....
۶۳.....	(اصل اول) اصالة العموم: .....
۶۵.....	(اصل دوم) اصالة الاطلاق: .....
۶۷.....	(اصل سوم) اصالة عدم تقدیر: .....
۶۹.....	(اصل چهارم) اصالة الحقیقة: .....
۷۰.....	(اصل پنجم) اصالة الظهور: .....
۷۱.....	حجیت اصول لفظیه: .....
<b>۷۵.....</b>	<b>فصل هفتم: ترادف و اشتراک.....</b>
۷۵.....	مترادف / مشترک.....
۷۷.....	مشترک معنوی: .....
۷۸.....	مشترک لفظی: .....
<b>۷۹.....</b>	<b>فصل هشتم: حقیقت و مجاز.....</b>
۸۰.....	حقیقت شرعی و متشرعه: .....



فصل نهم: صحیح و اعم ..... ۸۵

**بخش دوم: مباحث الفاظ ..... ۹۱**

فصل اول: مشتق ..... ۹۳

حالات استعمال مشتق: ..... ۹۵

اختلاف مشتق از جهت مبداء: ..... ۹۵

شروط مشتق در اصول: ..... ۹۷

شمره‌ی بحث: (فایده عملی مشتق) ..... ۹۷

انواع مشتقات: ..... ۹۸

نظر مرحوم مظفر (رضوان الله علیه): ..... ۹۹

**فصل دوم: اوامر ..... ۱۰۱**

اقسام طلب: ..... ۱۰۱

امر در لغت: ..... ۱۰۲

معنای ماده‌ی امر از نظر مرحوم مظفر (رضوان الله علیه): ..... ۱۰۲

امر در اصطلاح: ..... ۱۰۴

ماده‌ی امر: ..... ۱۰۴

معنای صیغه افعال از نظر اصولیین: ..... ۱۰۴

ظهور ماده‌ی امر در وجوب: ..... ۱۰۵

صیغه امر: ..... ۱۰۶

معنا و مفهوم صیغه‌ی امر از نظر مرحوم مظفر (رضوان الله علیه): ..... ۱۰۶

ظهور صیغه‌ی امر در وجوب: ..... ۱۰۷

ظهور جمله‌ی خبریه دلالت کننده‌ی طلب بر وجوب: ..... ۱۰۸

نکته: ظهور امر بعد از حذر (امر عقیب حذر) ..... ۱۰۹

دلالت امر بر، فور و تراخی: ..... ۱۱۰

دلایل اصولیینی که فور را پذیرفته‌اند: ..... ۱۱۱

دلالت امر بر مره و تکرار: ..... ۱۱۲

دلالت نسخ وجوب بر جواز: ..... ۱۱۳

امر به شیء مرتین: ..... ۱۱۴

خلاصه بحث: ..... ۱۱۶

۱۱۶.....	دلالت امر به امر (غیرمستقیم) بر وجوب:
<b>۱۱۹.....</b>	<b>فصل سوم: تقسیمات واجب</b>
۱۱۹.....	تعریف واجب و وجوب:
۱۱۹.....	تفاوت بین واجب و وجوب:
۱۲۰.....	اقسام واجب:
۱۲۰.....	(۱) واجب مطلق و مشروط:
۱۲۰.....	(۲) واجب عینی و کفائی:
۱۲۱.....	واجب عینی و اطلاق صیغه‌ی امر:
۱۲۲.....	(۳) واجب تعیینی و تخییری:
۱۲۳.....	واجب تعیینی و اطلاق صیغه‌ی امر:
۱۲۳.....	(۴) واجب نفسی و غیره:
۱۲۴.....	واجب نفسی و اطلاق صیغه‌ی امر:
۱۲۴.....	(۵) واجب اصلی و تبعی:
۱۲۵.....	(۶) واجب تعبدی و توصلی:
۱۲۶.....	واجب تعبدی و توصلی:
۱۲۷.....	نکته: معانی قصد قربت:
۱۲۸.....	اطلاق صیغه‌ی امر دلالت بر تعبدی دارد یا توصلی؟
۱۳۰.....	نکته: اطلاق مقامی:
۱۳۰.....	اطلاق و تقیید در تقسیمات اولیه واجب:
۱۳۱.....	عدم امکان اطلاق و تقیید در تقسیمات ثانویه واجب:
۱۳۲.....	(۷) واجب منجز و معلق:
۱۳۲.....	واجبات مطلق:
۱۳۲.....	نکته: تفاوت واجب معلق و مشروط:
۱۳۳.....	۸- واجب موقت و غیر موقت:
۱۳۴.....	خلاصه واجب موقت:
<b>۱۳۷.....</b>	<b>فصل چهارم: نواهی</b>
۱۳۷.....	ماده نهی:
۱۳۸.....	(ب) ظهور ماده نهی:
۱۳۸.....	ج: ظهور ودلالت صیغه نهی:

۱۳۸.....	د: مطلوب نهی: .....
۱۳۹.....	دلالت نهی بر مره و تکرار:.....
۱۳۹.....	شیوه های بیان نهی در کلام متکلم:.....
<b>۱۴۱.....</b>	<b>فصل پنجم: مفاهیم.....</b>
۱۴۱.....	مقدمه: .....
۱۴۲.....	الفاظ دارای مفهوم:.....
۱۴۴.....	۱- مفهوم شرط:.....
۱۴۸.....	۲- مفهوم وصف:.....
۱۴۸.....	نظرمرحوم مظفر(رضوان الله علیه) راجع به مفهوم وصف:.....
۱۵۰.....	ادله مفهوم داشتن وصف:.....
۱۵۰.....	۳- مفهوم غایت:.....
۱۵۲.....	خلاصه بحث مفهوم غایت:.....
۱۵۳.....	۴- مفهوم حصن:.....
۱۵۴.....	۵- مفهوم عدد:.....
۱۵۴.....	مفهوم عدد در حقوق و قوانین:.....
۱۵۵.....	۶- مفهوم لقب:.....
۱۵۵.....	دلالت‌ها:.....
<b>۱۵۷.....</b>	<b>فصل ششم: عام و خاص.....</b>
۱۵۷.....	مقدمه: .....
۱۵۸.....	اقسام عام:.....
۱۶۰.....	الفاظ عموم:.....
۱۶۱.....	انواع مخصّص:.....
۱۶۲.....	مخصّص غیر لفظی (لبی).....
۱۶۳.....	استعمال لفظ عام در مخصّص حقیقت است یا مجاز؟.....
۱۶۴.....	تخصیص اکثر:.....
۱۶۴.....	حجیت عام مخصّص در مابقی:.....
۱۶۵.....	شبهه مفهومیه:.....
۱۶۵.....	شبهه مفهومیه خود بر دو قسم است:.....
۱۶۶.....	شبهه مصداقیه:.....

۱۶۷.....	تمسک به عام قبل از فحص از مخصّص:
۱۶۷.....	عود ضمیر به تمام افراد عام است یا بعض آن؟
۱۶۹.....	استثناء بعد از جملات متعدد:
۱۷۱.....	تخصیص عام با مفهوم:
۱۷۲.....	نکات مهم عام و خاص:
<b>۱۷۵.....</b>	<b>فصل هفتم: مطلق و مقید</b>
۱۷۶.....	نسبی بودن اطلاق و تقیید:
۱۷۶.....	انواع قید:
۱۷۶.....	الفاظ مطلق:
۱۷۶.....	اقسام اطلاق:
۱۷۷.....	تفاوت عام و مطلق:
۱۷۸.....	مقدمات حکمت
۱۷۹.....	انصراف:
۱۸۰.....	حمل مطلق بر مقید:
۱۸۲.....	اطلاق مقامی:
<b>۱۸۳.....</b>	<b>فصل هشتم: مُجْمَل و مُبَيَّن</b>
۱۸۵.....	تقسیمات مبین:

**بخش سوم: ادله و منابع استنباط فقه و حقوق..... ۱۸۷**

۱۸۹.....	۱. کتاب:
۱۹۰.....	نکاتی در مورد سور مکی و مدنی:
۱۹۲.....	نگارش قرآن کریم:
۱۹۲.....	نخستین کاتب وحی:
۱۹۳.....	جمع و تدوین قرآن:
۱۹۴.....	حجیت ظواهر قرآن:
۱۹۶.....	۲. سنت.....
۱۹۷.....	اقسام سنت:
۱۹۷.....	سنت قولی
۱۹۸.....	سنت عملی

۲۰۰.....	سنت تقریری.....
۲۰۱.....	مجموعه های روایی شیعه:.....
۲۰۳.....	انواع خبر.....
۲۰۴.....	خبر متواتر.....
۲۰۴.....	خبر واحد.....
۲۰۴.....	حجت بودن خبر واحد.....
۲۰۶.....	انواع خبر واحد:.....
۲۰۶.....	۳. اجماع.....
۲۰۷.....	اقسام اجماع:.....
۲۰۸.....	روش های پی بردن به وجود اجماع.....
۲۰۸.....	راه کاشف بودن اجماع.....
۲۰۹.....	۴. دلیل عقل.....
۲۰۹.....	ملازمه بین عقل و شرع.....
۲۱۰.....	۵. قیاس.....
۲۱۱.....	شروط قیاس:.....
۲۱۱.....	اقسام قیاس.....
۲۱۴.....	۶. قاعده استحسان.....
۲۱۵.....	اقسام استحسان:.....
۲۱۶.....	۷. مصالح مرسله (استصلاح).....
۲۱۷.....	۸. سد ذرایع.....
۲۱۸.....	۹. شهرت.....
۲۱۸.....	حجیت اقسام شهرت:.....
۲۲۰.....	۱۰. سیره.....
۲۲۰.....	حجیت سیره عقلائیة:.....
۲۲۱.....	حجیت سیره اسلامی:.....
۲۲۱.....	کاربرد سیره:.....
۲۲۲.....	تفاوت سیره و عرف و عادت:.....

۲۲۵	..... «سوالات مهم»
۲۲۹	..... فهرست منابع
۲۳۱	..... سایر کتب منتشر شده از دکتر محمدعلی معیر محمدی
۲۳۲	..... پاسخنامه آزمون وکالت سال ۱۳۹۷



## پیشگفتار نگارنده

باسمه تعالی

نمونه و تفسیر

علم اصول فقه از دیرباز در عالم تشیع جهت فهم مراد شارع در وضع احکام و قوانین مورد استفاده قرار گرفته است. تا جایی که می‌توان گفت: واضح این علم ذوات مقدسه معصومین (علیهم السلام) اند. در این میان غایت این علم رسیدن به حکم شرعی برای عمل مکلف می‌باشد. این در حالی است که نمی‌توان منافع دیگر این علم را نادیده گرفت.

به نظر می‌رسد امروزه آنچه به عنوان منطق فهم متن یا هرمنوتیک در آکادمی‌های دنیا مورد بحث قرار می‌گیرد چیزی جز بخشی از علم اصول فقه نیست که آن را الفاظ می‌نامیم. لذا عقلاء عالم نیز بر آنند تا برای فهم هر متنی به قواعد خاصی تمسک نموده و مراد گوینده را کشف نمایند. پر واضح است که متون حقوقی و قوانین نیز از این امر مستثنی نیست.

به هر روی، از زمانی که شروع به تدریس این ماده درسی در دانشکده‌های حقوق و الهیات نمودم موارد متعددی، مرا به مشغولیت ذهنی فرو داشت. تا آنکه بر آن شدم تا چکیده آنچه تدریس و تدرّس شده بود را در قالب این نوشتار ارائه نمایم. در واقع نکاتی که در تدریس این ماده درسی در دانشگاه‌ها به نظر می‌رسید از قبیل موارد ذیل اند:

۱. هدف اصلی از علم اصول فقه یافتن حکم شرعی فرعی است. یعنی در واقع اصول فقه علم به ابزاری است برای یافتن حکم شرعی فرعی. این در حالی است که ما در دانشکده‌های حقوق و حتی الهیات در پی تربیت مجتهد برای یافتن این احکام نیستیم.

بلکه تنها در مقام شناخت این احکام و استفاده از آن در مقام عمل می‌باشم. لذا این مهم باید مدنظر قرار گیرد که مباحث اصولی در دانشگاه‌ها نباید در حد مباحث اجتهادی و برای اجتهاد تدریس گردد بلکه تنها در مقام یادگیری و ارائه طریق به دانشجو جهت فهم متن قانونی و در مرتبه بالاتر قانونگذاری ابراز گردد.

۲. علم اصول فقه به این دلیل که علمی انتزاعی است، بعضاً برای دانشجویانی که تازه پا به عرصه فراگیری فقه و حقوق نهاده‌اند سخت می‌نماید. لذا بیان این امر به زبان ساده در قالب کتابی که همگون با مواد و منابع درسی رشته‌های مرتبط می‌باشد بسیار مؤثر خواهد بود. مضافاً بر اینکه شکل تدریس این ماده درسی توسط اساتید محترم در دانشگاه، به نظر باید کاملاً متفاوت با حوزات مقدسه علمیه باشد. به این توضیح که در حوزات علمیه ملاحظه می‌شود که زمان طولانی تدریس این ماده درسی و همچنین مباحثات همه روزه طلاب کمک شایانی به فهم دقیق این علم می‌نماید و حال آنکه پر واضح است این امر در طول واحدهای محدود سیستم دانشگاهی امکان پذیر نخواهد بود.

۳. به همین منظور نباید به این ماده درسی در قالب حداکثری و حداقلی در سیستم دانشگاهی نگریست. یعنی، از طرفی نباید انتظاراتی که از طلاب در مورد فهم از اصول فقه وجود دارد در دانشگاه‌ها پیش بیاید و همچنین از طرفی نباید به قدری این درس محجور ماند که به عنوان یک درس معمولی به آن نگاه شود و هر شخص با هر تخصصی را به تدریس آن گماشت.

۴. نکته‌ای که به نظر باید مدنظر قرار گیرد و در قرار دادن این واحد درسی در نظام دانشگاهی رعایت گردد این است که، دانشجو برای گذاردن اصول فقه نیاز به پیش زمینه‌ی حداقلی در علم حقوق دارد. زیرا در بسیاری از موارد اجتناب ناپذیر است که نکات اصولی پیش زمینه‌ی مناسبی را در علم حقوق می‌طلبد. خصوصاً در زمینه

مثال‌های حقوقی برای قواعد اصولی. مع‌الوصف به نظر می‌رسد بعد از آنکه دانشجویان محترم برخی مواد درسی مقدماتی مانند مقدمه علم حقوق و آشنایی با حقوق مدنی و جزاء پیدا نمودند درس اصول فقه کاربردی تر خواهد بود و بهتر مورد فهم قرار می‌گیرد.

۵. توصیه دیگر، در باب مطالعه علم اصول فقه است. به دانشجویان محترم توصیه می‌گردد برنامه مطالعه این درس را قطعاً به صورت روزانه در برنامه‌ریزی‌های درسی خود جای دهند و مطالعه آن را جدی گرفته و همچنین با تطبیق هر چه بیشتر آن با قوانین موضوعه ذهن خود را ورزش دهند. در واقع اگر چنانچه دانشجویان محترم به دقت بعد از هر جلسه تدریس مباحث اصولی را تمرین نمایند قطعاً آموزش مؤثری اتفاق نخواهد افتاد و مطلوب حاصل نمی‌گردد.

۶. نکته قابل توجه این است که کتاب پیش رو تنها مخصوص آموزش اصول فقه در مقطع کارشناسی برای دانشجویان محترم رشته‌های حقوق و فقه و حقوق اسلامی نگاشته نشده است. بلکه می‌تواند متنی جهت شرکت در آزمون‌های دوره‌های تحصیلی بالاتر و همچنین آزمون‌های حقوقی باشد. ولیکن قطعاً هدف اصلی کتاب آموزش آن در دوره‌های کارشناسی است. لذا به نظر می‌رسد دانشجویان محترم بعد از فراغت از تحصیل و برای شرکت در آزمون‌های حقوقی مثل کانون وکلاء دادگستری مستغنی از کتب ارزشمندی که در زمینه‌ی این آزمون‌ها و مختص به آنها نگاشته شده است نخواهند بود.

۷. این نکته راجع به منابع کتاب قابل ذکر است که، نگارنده سعی در تحلیل و شرحی ساده از کتاب اصول فقه مرحوم مظفر (رضوان الله علیه) را داشته که به بضاعت خود صورت داده است. همچنین تطبیق آراء مرحوم مظفر با شهید صدر (رضوان الله علیهما) تنها در مقام آشنایی اجمالی دانشجویان با آراء شهید صدر (رضوان الله علیه) آمده است و کسانی را که شوق تحقیق بیشتر دارند به منابع مخصوص جهت پژوهش ارجاع داده

است. در این میان جهت تطبیق برخی از مطالب با علم حقوق خصوصاً مثال‌های حقوقی از کتب ارزشمند اصول فقه کاربردی و اصول فقه دانشگاهی نیز بعضاً استفاده شده است.

۸. جهت تدریس اساتید محترم نیز این نکته قابل تأمل است که ذکر مثال‌های ساده و قابل فهم دانشجو قبل از تطبیق با مثال‌های پیچیده فقهی و حقوقی بسیار در تفهیم دانشجویان تأثیر گذار است. در متن پیش رو سعی بر آن شده است که همواره در هر مبحثی به در خور از همین نوع از مثال‌ها استفاده شود.

رَبُّ أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

۲۰ شعبان المعظم ۱۴۳۸ مصادف با ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶

الاحقر محمدعلی معیر محمدی



## مقدمه نگارنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ وَ سَبَباً لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِيلًا عَلَى آيَاتِهِ وَ عَظَمَتِهِ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ السُّفَرَاءِ الْمُكْرَمِينَ مَوْلَانَا أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصومِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ لَا سِيَّمَا نَامُوسَ الدَّهْرِ وَ إِمَامَ الْعَصْرِ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ رُوحِي وَ أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ وَ لعنتتة الله على اعدائهم اعداء الله اجمعين.

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید: «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يُرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۱</sup> به همین خاطر است که دانستن، معیار عدم تساوی با کسی است که نمی داند. در راستای کسب علم که به صورت مطلق منظور آیات و روایات از آن علوم الهی با تکیه بر موازین اهل البيت (علیهم السلام) است، اولین گام استنباط صحیح و دقیق از متون دینی است و این امر تنها به تبع یادگیری دقیق علم اصول فقه امکان پذیر است. مع الوصف از کلام نورانی امام صادق (علیه السلام) واضح می گردد که می فرمایند: «علینا القاء الاصول و علیکم ان تفرعوا»<sup>۲</sup> یعنی، بر ماست که اصول کلی را بیان کنیم و بر شما لازم است که فروع را به آنها برگردانید [و احکامشان را بیابید]، دست یابی به فروع دین از میان، آیات قرآن کریم و کلام معصومین (علیهم السلام) امری است که به متخصصین فقه سپرده شده است. به همین منظور

<sup>۱</sup> - سوره مبارکه زمر، آیه شریفه ۹

<sup>۲</sup> - سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲

است که، برای بیان فروع احکام و فهم دقیق قرآن و روایات علم اصول فقه کمک شایانی می‌نماید.

علم اصول، علمی با پیشینه‌ی بسیار طولانی است که در جهت اول برای فهم صحیح از متون دینی ابداع شده است. زمانی که متشرعین متوجه شدند در نبود (غیبت) رابط خاص خود با خداوند متعال نیاز به آن دارند تا از گفتارهایی که به جا مانده است تکالیف شرعی خود را به دست آورند، نیاز به این علم نیز احساس شد. در واقع وقتی با مراجعه به متون دینی متوجه شدند که به تنهایی و بدون استعانت از وسائل عقلی و نقلی کلی نمی‌توانند از این متون استخراج حکم شرعی را نمایند، ناگزیر متوجه علم اصول فقه گشتند. برای فهم معنای لغوی و اصطلاحی اصول فقه باید مفردات آن را که مشتمل بر دو واژه اصول و فقه می‌باشد جدا گانه مورد بحث قرار داد تا مقصود از این علم نمایان گردد.

اصول جمع مکسر اصل است. اصل چند معنا دارد و از جمله ی معانی آن عبارتند از:

۱. اصل در برابر فرع ( این معنی لغوی اصل است)

۲. اصل به معنی دلیل

۳. اصل به معنی راجح ( ارجح و ظاهر)

۴. اصل به معنی قاعده

۵. اصل به معنی اصل استصحاب که یکی از اصول عملیه است<sup>۱</sup>

فقه در لغت یعنی فهم و از آن با عنوان فهم عمیق نیز تعبیر کرده اند. و در اصطلاح مشهور فقها آمده است: «هو علم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیة»<sup>۲</sup> یعنی فقه عبارت است از فهمیدن احکام شرعی فرعی از روی دلایل تفصیلی. حال که فقه و اصول را به صورت جداگانه تعریف نمودیم در تعریف اصول فقه می‌گوییم: «العلم بالقواعد الممهدة لاستنباط الاحکام الشرعیه الفرعیه»<sup>۳</sup> یعنی، اصول فقه علم یافتن به قواعدی است که برای استنباط احکام شرعی

<sup>۱</sup> - در بین اصولیون در مورد این که منظور از اصل در عبارت اصول فقه کدام یک از معانی فوق می‌باشد، اختلاف است.

<sup>۲</sup> - معالم الدین فی الاصول، ص ۲۲.

<sup>۳</sup> - القوانین المحکمة، ج ۱، ص ۵؛ منتهی الاصول، ج ۱، ص ۱۴